

## اقسام و ویژگی‌های تصورات

غلامرضا ابراهیمی مقدم\*

### چکیده

در فلسفه اسلامی مراتب تصورات را بر اساس میزان تجرید از ماده و عوارض آن و یا به میزان برخورداری از سعه وجودی، به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند: حسی، خیالی، وهمی و عقلی. ویژگی مشترک سه مرحله اول، جزئی بودن و ویژگی مرحله چهارم کلی بودن است. آن‌گاه از «معرفت» سخن می‌گوییم، تصدیق و رکن اصلی آن (حکم)، به ذهن متبادر می‌شود. اما با اندکی تأمل خواهیم یافت که خود تصدیق، متوقف بر تصورات یا همان مفاهیم است. بخشی از بار ایجاد معرفت را مفاهیم به عهده دارند، ولی هیچ مفهومی متضمن حکم به ثبوت یا نفی نمی‌باشد. مفاهیم فقط از محکی خود حکایت می‌کنند و راجع به وجود و عدم مصادیق خود هیچ حکمی ندارند.

این مقاله با رویکرد تحلیلی و نظری و با هدف شناسایی اقسام مفاهیم و ارائه تصویری روشن و متمایز برای هر یک از آنهاست.

**کلیدواژه‌ها:** مفهوم، تصور، ادراک، تصور جزئی، تصور کلی، تصور عقلی، تصور حسی، تصور وهمی، تصور خیالی.

## مقدمه

یک طرف، حد آن به تعقل می‌خورد و از طرف دیگر، اضافه به جزئیات دارد؛ اگر جزئیات درک نشود، اضافه به آن معنا پیدا نخواهد کرد. در ادراک وهمی، مضاف‌الیه آن که ادراک جزئی است دخالتی ندارد؛ از این رو، وهم چیزی جز عقل نیست؛ یعنی اگر در ادراک وهمی اضافه آن را حذف کنید چیزی جز عقل باقی نمی‌ماند.

صدرالمتألهین در جای دیگری پس از طرح دیدگاه رایج حکما در باب قوه واهمه، به تشریح آراء اختصاصی و مبانی ویژه خود می‌پردازد. به اعتقاد وی، قوه واهمه قوه‌ای مستقل و در عرض عاقله نیست، بلکه وجوداً با قوه عاقله متحد است. ادراکاتی که به واهمه نسبت داده می‌شود در واقع همان ادراکات عقلی‌اند که به واسطه اضافه شدن به یک مصداق جزئی، کلیت خود را از دست داده‌اند. مثلاً، ما مفهوم کلی «عداوت» و «محبت» را توسط عاقله درک می‌کنیم و سپس قیدی را به آن افزوده، مفاهیمی نظیر «عداوت زید» و «محبت بکر» را که مفاهیمی خاص و مقیدند، به دست می‌آوریم. پس قوه واهمه همان قوه عاقله است که مدرکات کلی خود را به صورت مقید درک می‌کند. بنابراین، وهم چیزی جز قوه عاقله نیست که ادراک آن به مدرکات خیالی مقید شده است و مدرکات آن نیز همان مفاهیم کلی است، در حالی که به صورت جزئی خیالی تعلق پذیرفته‌اند.<sup>(۴)</sup>

علامه طباطبائی از جمله فلاسفه‌ای است که ادراک وهمی را از اساس مردود دانسته و درک معانی جزئی را به حس مشترک نسبت داده است. در عین حال، وی تفاوت عرضی ادراک عقلی و وهمی را به گونه‌ای که ملاًصدرا بیان کرده است، قبول ندارد؛ زیرا واهمه صورت عقلی را که به امور جزئی اضافه شده باشد، درک نمی‌کند، بلکه معانی جزئی را درک می‌کند. اما صرف تفاوت مدرک به این صورت که متعلق ادراک واهمه، معانی است و متعلق

ابن‌سینا ادراک را بر حسب کمال و نقص قوای ادراکی در مجرد ساختن معلوم از عوارض غریب، بر چهار قسم تقسیم نموده است که عبارتند از: احساس، تخیل، توهم و تعقل.<sup>(۱)</sup> وی در کتاب *الاشارات والتنبیها* انواع ادراک را نسبت به معلومی خاص مانند زید ملاحظه می‌کند که در یک مرحله محسوس و در مرحله بعد متخیل و سرانجام در مرحله نهایی معقول است. به این جهت، توهم را که ادراک معانی جزئی نامحسوس است و در مثالی همچون زید محقق نمی‌شود، ذکر نکرده است.<sup>(۲)</sup>

نظریه ابن‌سینا در مورد مراتب ادراک که در اکثر آثار وی بیان شده این است که مراتب ادراک بر اساس مراتب تجرید معلوم بر چهار قسم می‌باشد.

ملاًصدرا در کتاب *اسفار* در فصلی تحت عنوان «انواع ادراکات» تقریباً عین عبارات ابن‌سینا را نقل کرده است، و بر آنچه که در *اشارات* آمده، ادراک وهمی را هم اضافه نموده و طبق مبنای خود آن را تعریف کرده است. وی در پایان بحث، ادراک وهمی را نوع مستقلی از ادراک، در عرض سایر ادراکات ندانسته، بلکه آن را شکل تنزلیافته از ادراک عقلی معرفی کرده است. از نظر وی، تمایز ذاتی بین ادراک عقلی و وهمی وجود ندارد، بلکه تفاوت آنها از ناحیه امر عرضی و خارج از ذات است و آن عبارت از اضافه شدن ادراک وهمی به امور جزئی و اضافه نشدن ادراک عقلی به آن امور است.<sup>(۳)</sup>

در واقع، ادراک وهمی یک ادراک کلی است که به اشخاص اضافه می‌شود و اضافه هم دخالتی در ادراک ندارد؛ مثل اضافه محبت به مادر. ادراک وهمی از این جهت که به جزئیات اضافه می‌شود از ادراک عقلی فاصله می‌گیرد، و از این جهت که کلی است باید تعقل شود و نمی‌تواند حس و خیال باشد. بنابراین، وهم امر بین‌الامرین است؛ زیرا نه عقل است و نه حس و خیال. از

### تعریف تصور حسی

صورت حسی عبارت است از: ادراک چیزی که با هیأت مخصوص و عوارض محسوس شامل مکان، زمان، وضع، کیف، کم و امثال اینها در ماده معین نزد ادراک‌کننده حاضر باشد. بنابراین، صورت حسی دارای سه شرط است:

۱. حضور ماده در برابر اندام حسی؛
۲. دربرداشتن عوارض غریب (مقارنت ماده خارجی به عوارض و لواحق مشخصه)؛
۳. جزئی بودن معلوم.<sup>(۹)</sup>

با توجه به ویژگی‌هایی که برای صورت حسی بیان خواهیم کرد، می‌توان آن را این‌گونه تعریف نمود: صورتی از اشیا که در حال مواجهه و مقابله و ارتباط مستقیم ذهن با خارج با به‌کار افتادن یکی از حواس پنج‌گانه (یا بیشتر) در ذهن منعکس می‌شود. بقای این‌گونه تصورات منوط به بقای ارتباط با خارج است و پس از قطع تماس با خارج بلافاصله از بین می‌رود. مثلاً، هنگامی که انسان چشم‌های خود را باز می‌کند و منظره‌ای را که در برابرش موجود است، تماشا می‌کند تصویری از آن منظره در ذهن پیدا می‌شود و تا هنگامی که این ارتباط وجود دارد، تصویر آن منظره هم در ذهن برقرار است و به محض اینکه چشم‌ها را ببندد ادراک حسی منظره هم از بین خواهد رفت.<sup>(۱۰)</sup>

### ویژگی‌های تصور حسی

تصور حسی دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. تحقق تصور حسی منوط به وجود شیء خارجی و ارتباط اندام‌های حسی با آن و توجه نفس به این ارتباط است، و با قطع ارتباط عضو حسی مربوط با خارج در فاصله کوتاهی از بین می‌رود.<sup>(۱۱)</sup> روشن است که این ارتباط هم نسبت به عضو ادراکی فرق می‌کند و هم نسبت به مدرك‌ها. مثلاً، ارتباط عضو حسی لامسه به این است که واقعیت خارجی به آن عضو بچسبد، اما عضو بینایی از

ادراک عقلی صور است، دلیل بر تمایز و تعدد نوعی آن دو نیست. از این‌رو، نیازی به اثبات قوه مستقل برای ادراک معانی وجود ندارد؛ چون ادراک این معانی توسط حس مشترک انجام می‌شود.<sup>(۵)</sup>

یکی از نظریات بدیعی که علامه طباطبائی در معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی مطرح نموده این است که ادراک جزئی را منحصر در ادراک خیالی کرده است؛ به این دلیل که حضور ماده محسوس در ادراک حسی و عدم آن در ادراک خیالی موجب تفاوت ادراک در حال حضور ماده و غیبت آن نمی‌شود. حضور ماده حداکثر موجب روشنی و وضوح معلوم نزد نفس می‌گردد. در حالی که این میزان روشنی و وضوحی که در ادراک حسی در حال حضور ماده وجود دارد در ادراک خیالی با التفات نفس به آن بیشتر است.<sup>(۶)</sup>

علی‌رغم وجود تردیدهایی درباره ادراک وهمی، قریب به اتفاق فلاسفه اسلامی در بحث مراتب ادراک، ادراک وهمی را هم ذیل عنوان اقسام ادراک آورده‌اند و به تعریف و تبیین احکام آن پرداخته‌اند. مثلاً، ملاصدرا با اینکه ادراک وهمی را نوع مستقلی از ادراک نمی‌داند، ولی ادراک وهمی را در شمار انواع ادراکات ذکر می‌نماید.<sup>(۷)</sup> بنابراین، از دیدگاه فلاسفه اسلامی مراتب تصورات یا به تعبیر دیگر مراتب ادراک، بر چهار قسم است که عبارتند از: ادراک حسی، ادراک خیالی، ادراک وهمی و ادراک عقلی. سه قسم اول از ادراکات جزئی هستند و قسم چهارم از ادراکات کلی می‌باشد.<sup>(۸)</sup>

ما بر اساس تقدّم پیدایش هریک از آنها و اینکه هر کدام نسبت به مابعد خود زمینه‌ساز وجود آن به شمار می‌آید، به تعریف و بیان ویژگی‌های هریک از آنها می‌پردازیم. نتیجه این شیوه ارائه مطلب، شناخت حقیقت هریک از مفاهیم براساس ویژگی‌های هریک از آنهاست.

ذهن صورت شیء خارجی را از ماده تجرید می‌کند، صورت حسی به وجود می‌آید. در واقع، صورت حسی محل تلاقی ذهن و عین است. از این رو، بعضی از خواص ماده را به جهت ارتباط با ماده دارا می‌باشد، و بعضی از خصوصیات صورت ذهنی را به جهت قرار گرفتن در ذهن واجد است. ابن‌سینا بر این باور است که ادراک حسی مادی است و برای مادی بودن ادراک حسی پراهنی اقامه کرده است. (۱۴)

استدلال ابن‌سینا نیاز تصور حسی به قوای جسمانی و حضور ماده خارجی و ارتباط اندام‌های حسی با ماده خارجی را اثبات می‌کند، اما مادی بودن تصور حسی را اثبات نمی‌کند؛ چون صورت ذهنی در همه مراحل و مراتب توسط نفس انجام می‌شود و حواس ظاهر ابزاری پیش نیستند. ابن‌سینا براهین متعددی برای مجرد بودن محل صور معقول آورده است که همه آنها عیناً می‌توانند براهینی برای اثبات تجرد صور حسی و خیالی باشند. (۱۵)

نظریه صحیح در مورد تجرد ادراک همان نظریه ملاصدرا است که ادراک را در همه مراحل آن مجرد از ماده می‌داند.

۵. هنگام تحقق تصور حسی اثری از محسوس که همان صورت شیء مادی خارجی است در قوای حسی به وجود می‌آید و بین اثری که از محسوس در قوای حسی بر جای می‌ماند و خود محسوس رابطه ماهوی وجود دارد.

لانه ما لم يحدث فی الحاسّ اثر من المحسوسات  
فالحاسّ عند كونه حاسّاً بالفعل و كونه حاسّاً بالقوة  
على مرتبة واحدة و يجب اذا حدث فيه اثر من  
المحسوس ان يكون مناسباً للمحسوس، لانه ان كان  
غير مناسب لماهيته لم يكن حصوله احساساً به. (۱۶)

یعنی اگر در هنگام ادراک حسی اثری از محسوس در عضو حسی ایجاد نشود، عضو حسی در حاس بالقوه و بالفعل بودن یکسان خواهد بود. (بنابراین، برای اینکه تفاوتی در بالفعل بودن و بالقوه بودن احساس آن وجود داشته باشد

فاصله دور هم با واقعیت خارجی ارتباط برقرار می‌کند و در مدرک‌ها - مثلاً - بعضی از حیوانات نسبت به بعضی دیگر و یا بعضی از انسان‌ها نسبت به بعضی دیگر از قوه بویایی یا بینایی و یا ... قوی‌تری برخوردارند. بر اساس این ویژگی، همه مفاهیمی که از طریق ارتباط مستقیم عضو حسی با خارج و در حین ارتباط به وجود می‌آید و شیء خارجی را به ما معرفی می‌کند از مفاهیم حسی است.

۲. واقعیت‌های مادی هیچ‌گاه به طور همه‌جانبه به تصور حسی در نمی‌آیند. هریک از حواس ما در شرایط خاصی تنها می‌تواند چهره و ویژه‌ای از آنها را بشناسد. در واقع، یکی از محدودیت‌های مفاهیم حسی این است که در معرفی اشیا به ما نمی‌توانند بیش از یک ویژگی و یک بعد از شیء را به ما منتقل کنند. مثلاً، ما فقط رنگ آن سوی اشیا را که به طرف ماست، می‌بینیم. (۱۲)

۳. مرتبه تصورات حسی ظرف کثرت مفاهیم است؛ زیرا از هریک از اشیا خارجی یک صورتی در ذهن به وجود می‌آید غیر از صورت شیء دیگر و بین این دو صورت هیچ وجه مشترکی در مرتبه صورت حسی وجود ندارد. مثلاً، وقتی وارد اتاقی می‌شویم که پر از تکه‌های کاغذ است به محض دیدن آنها از هر یک صورت حسی در ذهن ما شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که هیچ‌کدام بر دیگری قابل تطبیق نیست. از طرف دیگر، یک مفهوم جامع و یک وجه مشترک بین این صورت‌های مختلفی که از کاغذهای مختلف داریم، در مرتبه تصور حسی وجود ندارد؛ چون مفهوم مشترک یا - به اصطلاح - مفهوم کلی در مرحله ادراک عقلی صورت می‌گیرد. بنابراین، هر شیئی که در خارج وجود دارد و قابل ادراک حسی است صورت حسی آن با شیء دیگر از نوع خود کاملاً متفاوت است.

۴. صورت حسی مجرد از ماده است، لکن دارای تجرید تام نیست؛ چون همراه با ماده و علایق مادی شیء خارجی تحقق پیدا می‌کند. (۱۳) در اولین مرحله‌ای که

ولایناله [محسوس] الا بعلاقه وضعیه بین حسه و مادته و لذلك لایممثل فی الحس الظاهر صورته اذا زال. (۲۱) یعنی ادراک حسی تحقق پیدا نمی‌کند، مگر پس از یک رابطه وضعی بین عضو حسی و ماده خارجی. هنگامی که شیء محسوس از مقابل عضو حسی زایل می‌شود صورت آن در عضو حسی مربوط متمثل نمی‌شود و عضو حسی آن را درک نمی‌کند.

من شرائط الادراک الحسی حصول نسبه وضعیه بین آله الادراک و الشیء الذی یؤخذ منه تلك الصورة، وهذه النسبة غیر ثابتة بین تلك الصورة و ما یطابقه و تؤخذ منه و ذلك الشرط غیر محتاج الیه فی غیر الادراک الحسی من الادراکات الخیالیه والوهمیه والمقلیه. (۲۲)

یعنی از شرایط ادراک حسی وجود یک رابطه وضعی بین عضو حسی و ماده خارجی است که صورت حسی از آن گرفته شده است. و این رابطه وضعی که بین صورت حسی و ماده خارجی برقرار است یک امر ثابت و دائمی نیست. [بلکه با تغییر وضع هریک از طرفین این رابطه هم تغییر می‌کند] اما به چنین شرطی در سایر ادراکات مانند ادراک خیالی، ادراک وهمی و ادراک عقلی نیازی نیست. ۱۰. تصور حسی مقید به منطقه و مکان خاصی است و در هر مکانی که هست تنها اشیای همان مکان را احساس می‌کند و خارج از آن محل از قلمرو احساس بیرون است. (۲۳)

۱۱. تصور حسی مقید به جهت خاص است؛ مثلاً، در طرف راست یا چپ و یا ... به وجود می‌آید. (۲۴)

۱۲. تصور حسی محدود به زمان حال است و فقط اشیای زمان حال را احساس می‌کند و اشیایی که مربوط به گذشته یا آینده هستند از قلمرو شناخت حسی خارج‌اند؛ زیرا ارتباط عضو حسی با اشیایی که خارج از زمان حال باشد امکان‌پذیر نیست. (۲۵)

باید اثری از محسوس در آن به وجود بیاید. و لازم است که وقتی اثری از محسوس در عضو حسی ایجاد شد این اثر مناسب با محسوس باشد؛ زیرا اگر در ماهیت مناسب با شیء محسوس خارجی نباشد اثر حاصل، احساس آن شیء خارجی نخواهد بود.

۶. صورت حسی نمی‌تواند وجود اشیا را در خارج اثبات کند و اثبات وجود اشیا در خارج به وسیله تجزیه و تحلیل و ادراک عقلی است.

و لیس للحواس الا الاحساس فقط و هو حصول صورة المحسوس فیها فأما ان نعلم ان للمحسوس وجوداً من خارج فهو للعقل او الوهم. (۱۷)

دلیل اینکه تصور حسی نمی‌تواند وجود شیء محسوس را در خارج اثبات کند این است که در تصور حسی ما فقط صورت شیء محسوس را درک می‌کنیم. در واقع، این ادراک به صورت بسیط و ساده رخ می‌دهد بدون اینکه همراه آن چیز دیگری وارد ذهن شود. اما بعد از اینکه این ادراک تحقق پیدا کرد، عقل با تحلیل آن می‌تواند ادراکات فراوانی را به دست آورد. از جمله، اثبات وجود خارجی محسوس از احکام عقل می‌باشد.

۷. صورت حسی به علت حضور ماده‌ای که متعلق ادراک است غالباً و در حال عادی روشن‌تر از صورت خیالی است؛ (۱۸) زیرا ما به طور مستقیم با شیء خارجی ارتباط داریم و صورتی که در ذهن ما شکل می‌گیرد حاصل این ارتباط مستقیم است، ولی در ادراک خیالی صورتی که برای ما حاصل شده از مجرای ابزارهای حسی گذشته و یک واسطه‌ای بین شیء خارجی و صورت خیالی آن پیدا شده است.

۸. تصور حسی همیشه از مقدار معین حکایت می‌کند. (۱۹)

۹. صورت محسوسه همیشه مقید به وضع خاص است؛ یعنی نسبت مخصوص با اجزای مجاور دارد که اگر آن نسبت تغییر کند ادراک حسی نیز تغییر خواهد کرد. (۲۰)

النفس انما تدرك بواسطة الالة الاشياء المحسوسة  
والمتخيلة والاشياء المجردة لا تدركها بآلة بل بذاتها. (۳۰)  
یعنی نفس اشیا محسوس و متخیل را به واسطه آلت  
درک می‌کند، ولی اشیا مجرد را با ذات خود و بدون  
استفاده از آلت درک می‌نماید.

۱۷. تصور حسی همیشه از کیف معین حکایت می‌کند. (۳۱)  
۱۸. بقای صورت حسی منوط به بقای ارتباط حواس  
با خارج و توجه ذهن به این ارتباط است و پس از قطع  
تماس با خارج و نیز با قطع شدن توجه ذهن به ارتباط  
عضو حسی با خارج، بلافاصله از بین می‌رود. بنابراین،  
ادراک حسی امری ثابت و باقی نیست، بر خلاف ادراک  
عقلی که چون دارای تجرد تام است هیچ‌گونه تغیر و  
تبدیلی در آن راه ندارد. (۳۲)

۱۹. اشتغال نفس به صورت حسی او را از شعور خود  
و نیز از تعقل کلیات بازمی‌دارد. (۳۳)

۲۰. در تصور حسی باید ذهن به آنچه که عضو حسی  
با آن تماس برقرار نموده توجه کند. اگر چیزی در خارج  
وجود داشته باشد (مثلاً، یک تابلوی بسیار زیبا روی  
دیوار) و عضو حسی مربوط (در مثال ما چشم) با آن در  
تماس باشد (یعنی آن تابلو را ببیند) ولی نفس به این  
ارتباط و تماس توجه نداشته باشد، ادراک حسی محقق  
نمی‌شود. همان‌طور که افراد بیهوش و یا خوابیده بر فرض  
ارتباط عضو حسی شان با واقعیت خارجی آن را ادراک  
نمی‌کنند؛ چون نفس آنها به این ارتباط التفات ندارد.  
خواججه نصیرالدین طوسی در عبارتی به این ویژگی تصور  
حسی اشاره می‌کند: «الحضور غیر کاف فان الحاضر عند  
الحس الذی لا تلتفت النفس الیه لا یکون مدرکاً»؛ (۳۴)  
صرف حضور ماده خارجی در مقابل اندام حسی برای  
تحقق ادراک حسی کافی نیست، بلکه باید نفس هم به این  
حضور توجه داشته باشد.

۲۱. تصور حسی به صورت مستقیم از خارج حکایت

۱۳. تصور حسی همیشه به صورت جزئی و موردی  
است؛ یعنی متعلق شناخت در شناخت حسی فرد فرد  
افراد می‌باشند نه افراد به طور کلی و عمومی. مثلاً، رنگ  
خاصی یا صدای خاصی مورد ادراک حسی واقع می‌شود  
نه مفهوم کلی رنگ و مقدار و صدا. (۲۶)

البته انسان می‌تواند با مجموع حواس خود در یک  
لحظه چندین تصور حسی به دست آورد. مثلاً، در یک  
لحظه هم با حس بینایی چیزی را ببیند و با حس شنوایی  
صدایی را بشنود و با شامه خود بویی را استشمام نماید.  
یا اینکه با هریک از حواس خود در یک لحظه چندین  
صورت حسی به دست آورد. مثلاً، با یک نگاه به اتاقی پر  
از وسایل اشیا مختلف را ببیند. اما سخن ما این است که  
هر صورت حسی که از یک شیء در خارج حکایت  
می‌کند فقط بر یک فرد قابل انطباق است.

۱۴. تصور حسی یک شناخت سطحی و ظاهری و  
غیر عمقی است؛ یعنی فقط به ظواهر اشیا تعلق می‌گیرد و  
ویژگی‌های بیرونی و اعراض و کیفیت‌های ظاهری را درک  
می‌کند و به درون و روابط درونی اشیا و عمق پدیده‌ها نفوذ  
نمی‌کند. مثلاً، چشم فقط رنگ جسم را می‌بیند ولی خود  
جسم با چشم و هیچ حس دیگری درک نمی‌شود. (۲۷)  
۱۵. صورت حسی به لحاظ خصوصیتی که دارد  
مشترک بین انسان و سایر حیوانات است. (۲۸)

همه حیوانات در داشتن ادراک حسی مشترک‌اند؛  
گرچه ممکن است از حیث شدت و ضعف و کیفیت آن با  
هم مختلف باشند.

۱۶. تصور حسی همیشه به وسیله قوای جسمانی و  
حواس باطن برای نفس حاصل می‌شود و نفس بدون  
داشتن قوای حسی نمی‌تواند محسوسات را ادراک کند. از  
این‌رو، اگر یکی از حواس انسان دچار اختلال شود و از  
کار بیفتد، همه ادراکات مربوط به آن حس متوقف  
خواهند شد و نفس از دریافت آنها محروم می‌گردد. (۲۹)

شرط دیگر آن یعنی مقترن بودن به عوارض غریب و جزئی بودن معلوم معتبر است.<sup>(۳۶)</sup> به بیان دیگر، ادراک خیالی عبارت است از پدیده‌های ذهنی که به دنبال تصورات حسی و ارتباط با خارج حاصل می‌شود، ولی بقای آنها منوط به بقای ارتباط با خارج نیست. از این رو، پس از آنکه صورت حسی محو شد صورت خیالی باقی می‌ماند و هر وقت انسان بخواهد، می‌تواند آن صورت را احضار نماید و به این وسیله آن شیء خارجی را تصور کند.<sup>(۳۷)</sup>

### ویژگی‌های تصور خیالی

تصور خیالی نیز دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. بقای صورت خیالی نیازمند به وجود شیء خارجی و ارتباط اندام‌های حسی با خارج نیست.<sup>(۳۸)</sup> از این رو، چه در حالت حضور ماده و چه در حالت غیبت آن، صورت خیالی تغییر نمی‌کند.

۲. صورت خیالی قابل یادآوری است؛ یعنی هر وقت انسان بخواهد می‌تواند صورت خیالی را احضار نماید و به این وسیله، شیء یا اشیای خارجی را تصور کند و چون قابل یادآوری است اختیاری نیز می‌باشد.<sup>(۳۹)</sup>

۳. صورت خیالی غالباً و در حال عادی وضوح و روشنی صورت حسی را ندارد.<sup>(۴۰)</sup>

۴. صورت خیالی به واسطه صورت حسی از خارج حکایت می‌کند.

«لان الصورة فی الخیال هی علی حسب الصور المحسوسه»؛<sup>(۴۱)</sup> زیرا صورت خیالی بر اساس صورت حسی شکل می‌گیرد.

۵. تصور خیالی همیشه به صورت جزئی است.<sup>(۴۲)</sup> «ولیس یمکن فی الخیال البتة ان یتخیل صورة هی بحال یمکن ان یشترک فیہ جمیع اشخاص ذلک النوع»؛<sup>(۴۳)</sup> در قوه خیال ممکن نیست صورت خیالی به گونه‌ای باشد که همه اشخاص نوع خود را شامل شود.

می‌کند و هیچ‌گاه خطایی در حکایت صورت‌های حسی از خارج رخ نمی‌دهد و اگر احیاناً گفته می‌شود که حس خطا کرده و چیزی را از آنچه که بوده کوچک‌تر مشاهده کرده و یا از آنچه که بوده بزرگ‌تر دیده است و مواردی از این قبیل - که به خطاهای حواس معروفند - در واقع، خطای حواس نیستند، بلکه این خطاها مال ذهن و ناشی از حکم می‌باشد. حواس آنچه را که واقعیت دارد به ما منتقل می‌کند. اگر خورشید یا ستاره و یا ماه را کوچک می‌بیند برای این است که آنها برای حواس ما در فاصله‌ای که ما با آنها داریم همین مقدار هستند و نه بزرگ‌تر. درک بزرگی آنها حکم عقل است و از حیطة شناخت حواس خارج است. اگر ما تصدیق کردیم که آنچه حواس به ما نشان می‌دهد، واقعیت خارجی دارد در حکم خود خطا کرده‌ایم، ولی صورت حسی خطا نکرده است.

۲۲. نمی‌توان از موجودات ماوراء طبیعی تصور حسی داشت.<sup>(۳۵)</sup>

۲۳. تصور حسی بیرون از اختیار شخص ادراک‌کننده است. مثلاً، آدمی معمولاً نمی‌تواند چهره کسی را که حضور ندارد ببیند یا سخنش را بشنود و یا بوی گلی را که موجود نیست استشمام نماید. ولی در ادراک خیالی یا عقلی و همچنین وهمی، انسان هر وقت بخواهد می‌تواند چیزی را تخیل یا تعقل و یا توهم نماید. پس در ادراک حسی علاوه بر خواست و اراده انسان، موجود خارجی هم باید حضور داشته باشد و اگر موجود نباشد ادراک حسی محقق نمی‌شود.

### تعریف تصور خیالی

تصور خیالی عبارت است از ادراک صور جزئی محسوس که همراه با عوارض غریب می‌باشد، اعم از آنکه ماده‌ای نزد ادراک‌کننده حاضر باشد یا نه. بنابراین، در تصور خیالی، حضور ماده نزد ادراک‌کننده لازم نیست. ولی دو

وقتی وهم با آن مشارکت می‌کند ادراک واهمه نیز جزئی می‌گردد. (۵۱)

اما ملاًصدرا سرّ جزئی بودن تصور وهمی را اضافه شدن آن به شیء محسوس جزئی می‌داند. (۵۲)

### ویژگی‌های تصور وهمی

در خصوص ویژگی‌های تصور وهمی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تصورات وهمی از طریق ادراکات حسی حاصل نمی‌شود و مسبوق به صورت حسی نیستند.

۲. تصورات وهمی از حالات و عواطف درونی که با علم حضوری درک شده‌اند حکایت می‌کنند. به تعبیر دیگر، منشأ انتزاع چنین مفاهیمی حالات نفسانی است. (۵۳)

۳. تصورات وهمی نمایانگر یک حالت جزئی می‌باشند؛ یعنی محکی این مفاهیم یک پدیده شخصی و جزئی است و نسبت به یک شیء جزئی محسوس به وجود می‌آیند. (۵۴)

۴. تصور وهمی تجرّدش از تجرّد مفاهیم خیالی بیشتر است، ولی به تجرّد عقلی نمی‌رسد. در این مرحله از ادراک، انتزاع کامل‌تر می‌شود؛ چون از شرایط ادراک حسی و خیالی فقط جزئی بودن آن باقی می‌ماند. (۵۵)

۵. بین انسان و حیوان مشترک است. (۵۶)

۶. ادراک وهمی زمانی است؛ یعنی در زمان مشخص اتفاق می‌افتد. (۵۷)

۷. ادراک وهمی قابل یادآوری است؛ یعنی بعد از زوال آن حالت می‌توان آن را به یاد آورد. (۵۸)

۸. ادراک وهمی باهمراهی و دخالت خیال صورت می‌گیرد. (۵۹)

۹. ادراک وهمی مجرّد از مکان، جهت، وضع، مقدار، کیف و کم می‌باشد.

با تعریف و ویژگی‌هایی که برای هر یک از اقسام مفاهیم جزئی بیان کردیم، به دست می‌آید که این نوع

۶. نفس در ادراک صورت‌های خیالی نیازمند به قوای جسمانی است. (۴۴)

۷. تصور خیالی بین انسان و بعضی از حیوانات مشترک است. (۴۵)

۸. بنابر نظر ابن‌سینا، صور خیالی اگرچه مجرّد از ماده است، ولی همراه با عوارض و لواحق شیء مادی می‌باشد. از این‌رو، صورت‌های خیالی دارای وضع خاص، جهت خاص، مکان خاص، زمان خاص، کیف خاص و مقدار خواص می‌باشند. (۴۶)

۹. صورت خیالی همیشه مشروط و مسبوق به صورت حسی است؛ یعنی تصور خیالی یک شیء، بعد از تحقق صورت حسی آن شیء به وجود می‌آید.

«لان الصورة فی الخيال هی علی حسب الصور المحسوسه». (۴۷) «فان الخيال لا يتخیل الا ما احس». (۴۸)

۱۰. تجرید صورت خیالی از صورت حسی بیشتر است، ولی تجرید آن تام نیست و به درجه تجرید عقلی نمی‌رسد؛ چون صورت خیالی مجرّد از عوارض لاحقۀ ماده نیست. (۴۹)

### تعریف تصور وهمی

تصور وهمی عبارت است از ادراک معانی جزئی نامحسوس که به یک شیء جزئی محسوس اضافه شده و در نسبت با آن مورد توجه واقع شده است. مانند دشمنی‌ای که گوسفند نسبت به گرگ احساس می‌کند یا محبتی که هریک از ما انسان‌ها نسبت به فرد خاص داریم.

بنابراین، تصور وهمی نیز از سنخ ادراکات جزئی است با این تفاوت که در تصور وهمی حضور ماده در برابر اندام‌های حسی و مقترن بودن آن به عوارض غریب شرط نیست. (۵۰)

خواجه نصیرالدین طوسی راز جزئی بودن تصورات وهمی را مشارکت وهم با خیال در ادراک معانی جزئی می‌داند. چون مدرکات خیال جزئی هستند، از این‌رو،



شانویه تقسیم می‌شوند. مفاهیم حسی و خیالی را نمی‌توان به اولی و ثانوی تقسیم کرد. (۶۵)

۶. مفهوم کلی مشترک معنوی میان افراد و مصادیق خود می‌باشد. (۶۶)

۷. مفهوم کلی از آن جهت که یک مفهوم جامع و صادق برکثیرین است تنها در ظرف ذهن محقق می‌شود و هرگز در خارج دارای یک وجود مشخص و معین نیست. (۶۷)

۸. مفهوم کلی چون مجرد از ماده و عوارض و صفات شیء مادی است، می‌تواند نمایانگر تعداد بی‌نهایت افراد باشد. هیچ‌یک از ابزارهای شناخت بشر نمی‌تواند از افراد بی‌نهایت حکایت کند. (۶۸)

۹. یکی از ویژگی‌های ادراک عقلی این است که عقل می‌تواند از ظواهر اشیا به باطن آنها و از حد محسوسات به آنچه که به حس در نمی‌آید، نفوذ کند و از این طریق به مفاهیمی دست یابد که با حس قابل دریافت نمی‌باشد. مثلاً، ادراک مفهوم جوهر از موارد نفوذ ذهن از محسوسات به امر نامحسوس است؛ زیرا آنچه را که ما با حواس خود می‌یابیم فقط عوارض شیء است.

۱۰. از ویژگی‌های ادراک عقلی این است که عقل می‌تواند ادراکات خود را تجزیه و ترکیب کند. به واسطه این عمل معلومات و صورت‌های ذهنی انسان تکثیر پیدا می‌کند و معرفت انسان نسبت به اشیا انسجام منطقی می‌یابد. ذهن از طریق تجزیه و ترکیب مفاهیم به تصورات کلی جدیدی دست می‌یابد که از طریق حس قابل دست‌یابی نیست.

توضیح اینکه: صورت‌های ذهنی یا بسیط هستند و یا مرکب. ذهن گاهی از طریق ادراک صورت‌های مرکب و تجزیه آنها به درک صورت‌های اولیه و بسیط نایل می‌گردد. مثلاً، انسان از طریق حس بینایی شیئی را که دارای حجم و شکل و رنگ معین است می‌بیند؛ یعنی تصور حجم، شکل و رنگ با هم و غیر مجزا برایش

مفاهیم ارتباط گسترده‌ای با محکی خود دارند، به گونه‌ای که نمی‌توان کاری کرد آنها از مابهازایشان جدا شوند و در عین حال، همان را حکایت کنند. مقصود از جدایی، کلی نمودن آنهاست؛ یعنی نمی‌توان مفاهیم حسی و خیالی و وهمی را به گونه‌ای لحاظ کرد که ارتباط آنها با محکی مشخص قطع بشود، و عوارض و لواحق آن را نداشته باشد، ولی در عین حال همان را حکایت کنند. ویژگی مشترک همه مفاهیم جزئی در شخص نمایی و عدم قابلیت حکایت بیش از یک فرد است و چون همیشه شخص‌نما هستند معرفت مفهومی حاصل از آنها محدود به آن چیزی است که نشان می‌دهند.

### تعریف تصور عقلی

مفهوم کلی به مفهومی گفته می‌شود که فرض صدق آن بر کثیرین ممتنع نباشد و بتواند نمایشگر اشیا یا اشخاص متعدد باشد، هر چند بالفعل هیچ فردی در خارج نداشته باشد و یا فقط دارای یک فرد باشد؛ مانند مفهوم انسان که بر افراد بی‌نهایت صدق می‌کند. (۶۰)

### ویژگی‌های تصور عقلی

ویژگی‌های تصور عقلی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. ادراک مفاهیم عقلی اختصاص به انسان دارد و سایر حیوانات از ادراک آنها محروم هستند. (۶۱)
۲. نفس مفاهیم کلی را بدون واسطه قوه و آلت جسمانی ادراک می‌کند. (۶۲)
۳. ادراک مفاهیم کلی علامت رشد و تکامل انسان در میان جانداران است. (۶۳)
۴. مفاهیم عقلی همیشه کلی هستند و کلیت از صفات لاینفک و ممیز ادراک عقلی می‌باشد. از این رو، مفهوم جزئی نمی‌تواند مورد شناخت عقل واقع شود. (۶۴)
۵. تنها مفاهیم عقلی هستند که به دو قسم اولیه و

آن منطبق خواهیم یافت.

۱۵. کلی بودن یک مفهوم منوط به داشتن افراد بالفعل در خارج نیست و حتی اگر یک مفهوم کلی فقط یک فرد در خارج داشته باشد خللی به کلی بودن آن نمی‌زند؛ زیرا انحصار در فرد مفهوم را از کلیت و قابلیت صدق بر کثیرین خارج نمی‌کند؛ چون معیار در کلیت صلاحیت صدق بر کثیرین است، گرچه اصلاً فرد نداشته باشد.<sup>(۷۳)</sup>

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. تعریف و ویژگی‌های هریک از مفاهیم جزئی و کلی به دست می‌آید.
۲. تلاش عقلانی و تحلیل موشکافانه فلاسفه اسلامی در باب معرفت‌شناسی و شناسایی انواع مفاهیم و ساختار ذهنی شکل‌گیری مفهوم، از ابتدای تکون مبانی فلسفه اسلامی آگاهانه مورد توجه بوده است.
۳. مفاهیم ذهنی یک سیر منطقی را در پیدایش تا رسیدن به مرحله تجرید و کلیت می‌پیمایند.
۴. ارتباط تصورات جزئی با خارج به خاطر داشتن لواحق و عوارض شیء خارجی به صورت مستقیم و بدون واسطه است، اما مفاهیم عقلی چه معقولات ثانیه و چه اولی بر پایه ارتباط تصورات جزئی با خارج صورت می‌گیرد.
۵. شکل‌گیری تصورات جزئی زمینه ترکیب، تحلیل و سنجش عقلانی را فراهم می‌کند.
۶. سیر تصورات از مرحله حس تا رسیدن به مفاهیم کلی سیر از کثرت به وحدت و از تغییر و دگرگونی به ثبات و جاودانگی و از جزئیت به کلیت است.
۷. سیر تصورات از مرحله حس تا رسیدن به مرحله عقل بیانگر سیر تکاملی معرفت انسان و عبور از اشتراکات با سایر حیوانات به خصایص ویژه معرفت انسانی با گذر از سطح ظواهر به عمق پدیده‌هاست.

حاصل می‌شود. آن‌گاه ذهن در اثر قدرت تجزیه کمیت را از کیفیت و هر یک از کیفیات را جدا از یکدیگر تصور می‌کند و گاهی هم ابتدا به درک صورت‌های بسیط نایل می‌شود، سپس آنها را با هم ترکیب می‌کند و تصور جدیدی می‌سازد. مثلاً، ابتدا اسب را تصور می‌کند، سپس سفیدی را هم تصور می‌کند، آن‌گاه آنها را با هم ترکیب می‌کند و تصور سومی به نام اسب سفید می‌سازد. یا مثلاً وجود را تصور می‌کند و از طرف دیگر، وجود را هم تصور می‌کند، سپس آن دو تصور را با هم ترکیب می‌نماید و تصور جدیدی به نام «واجب‌الوجود» می‌سازد.<sup>(۶۹)</sup>

پیدایش مفاهیم جدید از طریق تجزیه و ترکیب، اختصاص به مفاهیم عقلی ندارد، بلکه مفاهیم خیالی هم از طریق تحلیل و ترکیب سایر صورت‌های ذهنی به وجود می‌آیند.<sup>(۷۰)</sup> ۱۱. از ویژگی‌های ادراک عقلی این است که به تصورات مختلفی که از طریق حواس وارد ذهن می‌شود به وسیله تجرید وحدت می‌بخشد. در واقع، ظرف عقل برای مفاهیم ظرف وحدت است.<sup>(۷۱)</sup>

۱۲. از ویژگی‌های مفاهیم عقلی این است که برخلاف مفاهیم جزئی، ثابت و جاودانه‌اند؛ یعنی با تغییر معلوم بالعرض تغییر نمی‌کند.

۱۳. مفاهیم عقلی دارای تجرید تام هستند. اصولاً تجرید و انتزاع از ویژگی‌های عقل است. عقل می‌تواند پس از ادراک چند صورت جزئی، آن صور را از صفات اختصاصی‌شان تجرید نموده، و به برخی از صفات مشترک آنها نایل گردد و یک معنای کلی را از جهت مشترکشان انتزاع کند و برای آنها حمل نماید.<sup>(۷۲)</sup>

۱۴. از ویژگی‌های عقل این است که به شناخت‌های حسی تعمیم و کلیت می‌دهد؛ یعنی با مشاهده یک یا چند مورد از یک شیء به مفهوم کلی آن دست می‌یابد، به گونه‌ای که بین افراد مختلف مشترک باشد، طوری که هر فرد از افراد کلی را مورد توجه قرار دهیم مفهوم کلی را بر

- ۲۵- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳.
- ۲۶- همان، ج ۲، ص ۳۲۴ / مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، ص ۲۲۸.
- ۲۷- ابن سینا، التعليقات، ص ۷۷ / مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۳۶۷.
- ۲۸- خواجه نصیرالدین طوسی، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، ص ۱۹۳ / مرتضی مطهری، شرح مبسوط منظومه، ج ۳، ص ۲۹۱ / همو، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۲۷۰.
- ۲۹- خواجه نصیرالدین طوسی، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۹۲.
- ۳۰- ابن سینا، التعليقات، ص ۸۰.
- ۳۱- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳؛ ج ۳، ص ۳ / همو، النجاة، ص ۳۴۵ / مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، ص ۲۲۸.
- ۳۲- محمدتقی مصباح، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۸۶ / ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۳.
- ۳۳- ابن سینا، النجاة، ص ۳۷۰.
- ۳۴- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۱۱.
- ۳۵- مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، ص ۲۲۸.
- ۳۶- مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۶۰۳ / ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳ / همو، النجاة، ص ۳۴۶.
- ۳۷- مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹ / محمدتقی مصباح، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۸۶ / مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، ص ۲۲۸.
- ۳۸- ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۳ / همو، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۴ / مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹.
- ۳۹- مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹.
- ۴۰- همان.
- ۴۱- ابن سینا، النجاة، ص ۳۴۶.
- ۴۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۲۷۰.
- ۴۳- ابن سینا، النجاة، ص ۳۴۷ / همو، النفس من كتاب الشفاء، ص ۸۳.
- ۴۴- خواجه نصیرالدین طوسی، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۹۲ / ابن سینا، النجاة، ص ۳۵۰.
- ۴۵- محمدرضا مظفر، المنطق، ص ۱۳ / مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۲۷۰.
- ۴۶- ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۳.
- ۴۷- همو، النجاة، ص ۳۴۶.
- ۴۸- همو، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۲.
- ۴۹- همو، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳ / همو، المبدأ
- پی نوشت ها**
- ۱- ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۲ / همو، النفس من كتاب الشفاء، ص ۸۱ / همو، النجاة، ص ۳۴۴.
- ۲- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۲.
- ۳- مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۳۶۱.
- ۴- همان، ج ۸، ص ۲۱۵.
- ۵- سید محمدحسین طباطبائی، تعليقات اسفار به ضمیمه الحكمة المتعالیه فی الاسفار العقلية الاربعة، ج ۳، ص ۳۶۲.
- ۶- همان.
- ۷- مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۳۶۰.
- ۸- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳ / همو، النفس من كتاب الشفاء، ص ۸۳ / همو، النجاة، ص ۳۴۵ / همو، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۱ / مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۱، ص ۳۶۰.
- ۹- مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۱، ص ۳۶۰ / ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳ / همو، النجاة، ص ۳۴۵.
- ۱۰- مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۸۸ / محمدتقی مصباح، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۸۶.
- ۱۱- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۴ / همو، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۳ / همو، النجاة، ص ۳۴۶ / همو، النفس من كتاب الشفاء، ص ۸۲.
- ۱۲- محمدتقی مصباح، ایدئولوژی تطبیقی، ص ۱۴۸.
- ۱۳- ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۲ / مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۳۶۲.
- ۱۴- ابن سینا، النجاة، ص ۳۵۰.
- ۱۵- همان، ص ۳۶۵.
- ۱۶- ابن سینا، المبدأ و المعاد، ص ۱۰۲ / مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، به کوشش عبدالله نصری، ص ۲۲۴.
- ۱۷- ابن سینا، التعليقات، تصحیح عبدالرحمن بدوی، ص ۶۸ / مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۴۹۸.
- ۱۸- سید محمدحسین طباطبائی، تعليقات اسفار، ج ۳، ص ۳۶۲ / مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹.
- ۱۹- ابن سینا، النجاة، ص ۳۵۶ / همو، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۳؛ ج ۳، ص ۳.
- ۲۰- ابن سینا، النجاة، ص ۳۴۵ / همو، النفس من كتاب الشفاء، ص ۸۲ / مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹.
- ۲۱- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۲۲.
- ۲۲- مآصدرا، الحكمة المتعالیه، ج ۳، ص ۲۹۹.
- ۲۳- ابن سینا، النجاة، ص ۳۴۵ / مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹.
- ۲۴- ابن سینا، النجاة، ص ۳۴۵ / مرتضی مطهری، پاورقی اصول فلسفه، ج ۱، ص ۸۹ / مهدی حائری یزدی، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، ص ۲۲۸.

- والمعاد، ص ۱۰۳.
- ۷۳- سید محمدحسین طباطبائی، *نهایة الحکمة*، ص ۹۴.
- منابع** .....
- ابن سینا، *الاشارات و التنبیها*، قم، بلاغت، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_، *التعلیقات*، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- \_\_\_\_\_، *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیگیل با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- \_\_\_\_\_، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، مصحح محمدتقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_، *النفس من کتاب الشفاء*، تحقیق حسن حسن زاده آملی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- جوادی آملی، عبدالله، *رحیق مختوم*، شرح حکمه متعالیه، به کوشش حمید پارسانیا، قم، اسراء، ۱۳۷۵.
- حائری یزدی، مهدی، *نظریة شناخت در فلسفه اسلامی*، به کوشش عبدالله نصری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
- سهروردی، شهاب الدین، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح هنری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- طباطبائی، سید محمدحسین، *تعلیقات اسفار به ضمیمه الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ چهارم، ۱۹۸۱.
- \_\_\_\_\_، *نهایة الحکمة*، تصحیح و تعلیق عباسعلی زارعی سبزواری، قم، انتشارات اسلامی، چ ششم، ۱۴۲۲ق.
- طوسی، نصیرالدین، *شرح الاشارات و التنبیها*، قم، بلاغت، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- مصباح، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ششم، ۱۳۷۳.
- \_\_\_\_\_، *ایدئولوژی تطبیقی*، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی، *پاورقی اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، صدرا، چ ششم، ۱۳۶۸.
- \_\_\_\_\_، *شرح مبسوط منظومه*، تهران، حکمت، چ دوم، ۱۳۶۶.
- \_\_\_\_\_، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، چ دوم، ۱۳۷۲، ج ۵.
- مظفر، محمدرضا، *المنطق*، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- ملّاصدرا (صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ چهارم، ۱۹۸۱م.
- \_\_\_\_\_، *الشواهد الربوبیه*، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰.
- \_\_\_\_\_، *شرح الهدایة الاثریه*، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۵۰- ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۳، ص ۳۶۰ / ابن سینا، *الاشارات و التنبیها*، ج ۲، ص ۳۲۳ / همو، *النجاة*، ص ۳۴۶.
- ۵۱- ابن سینا، *الاشارات و التنبیها*، ج ۲، ص ۳۲۴.
- ۵۲- ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۳، ص ۳۶۰.
- ۵۳- ابن سینا، *النجاة*، ص ۳۴۷ / خواجه نصیرالدین طوسی، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۲۰۰.
- ۵۴- ابن سینا، *المبدأ و المعاد*، ص ۱۰۳ / همو، *النجاة*، ص ۳۴۸ / ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۳، ص ۳۶۰.
- ۵۵- ابن سینا، *المبدأ و المعاد*، ص ۱۰۳ / همو، *الاشارات و التنبیها*، ج ۲، ص ۳۲۳.
- ۵۶- محمدرضا مظفر، *المنطق*، ص ۱۳.
- ۵۷- محمدتقی مصباح، *آموزش فلسفه*، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۵۸- همان.
- ۵۹- ابن سینا، *النجاة*، ص ۳۴۸.
- ۶۰- ابن سینا، *الاشارات و التنبیها*، ج ۲، ص ۴۱۴ / همو، *النفس من کتاب الشفاء*، ص ۸۴ / سید محمدحسین طباطبائی، *نهایة الحکمة*، تصحیح و تعلیق عباسعلی زارعی سبزواری، ص ۳۰۱-۹۴ / ملّاصدرا، *الشواهد الربوبیه*، ص ۲۰۸-۱۱۲ / همو، *شرح الهدایة الاثریه*، ص ۲۲۲ / همو، *الحکمة المتعالیه*، ج ۹، ص ۹۴ / شهاب الدین سهروردی، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح هنری کرین، ج ۲، ص ۱۵.
- ۶۱- خواجه نصیرالدین طوسی، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۱۹۳ / مهدی حائری یزدی، *نظریة شناخت در فلسفه اسلامی*، ص ۲۳۲.
- ۶۲- خواجه نصیرالدین طوسی، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۱۹۲ / ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۳، ص ۴۹۳ / ابن سینا، *النجاة*، ص ۳۶۴.
- ۶۳- مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۵، ص ۶۵.
- ۶۴- ابن سینا، *النجاة*، ص ۳۴۹ / همو، *التعلیقات*، ص ۱۲۶ / مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۵، ص ۲۷۰.
- ۶۵- مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۵، ص ۲۷۱ / همو، *شرح مبسوط منظومه*، ج ۲، ص ۵۹.
- ۶۶- محمدتقی مصباح، *آموزش فلسفه*، ج ۱، ص ۱۹۱ / عبدالله جوادی آملی، *رحیق مختوم*، ج ۱، بخش چهارم، ص ۱۰۵.
- ۶۷- عبدالله جوادی آملی، *رحیق مختوم*، ج ۱، بخش چهارم، ص ۱۰۵ / ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۱، ص ۲۷۳.
- ۶۸- محمدتقی مصباح، *آموزش فلسفه*، ج ۱، ص ۱۹۱ / ابن سینا، *النفس من کتاب الشفاء*، ص ۸۴.
- ۶۹- ملّاصدرا، *الحکمة المتعالیه*، ج ۳، ص ۳۶۷.
- ۷۰- محمدرضا مظفر، *المنطق*، ص ۱۳.
- ۷۱- ابن سینا، *المبدأ و المعاد*، ص ۱۰۲.
- ۷۲- ابن سینا، *النجاة*، ص ۳۴۹ / همو، *المبدأ و المعاد*، ص ۱۰۳.